

# The Matrimonial Nature of Temporary Marriage (‘Aqd-i Muwaqqat)

Seyed Mahdi Dadmarzi<sup>ORCID</sup>

Associate Professor, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. dadmarzism@yahoo.com

### Abstract

This study examines temporary marriage (mut‘ah) within Iran’s legislative system, focusing on proving its marital nature and legal effects to establish the principle of shared rulings between permanent (dā‘im) and temporary (munqaṭi‘) marriages. By addressing fundamental doubts, the study provides grounds for accepting this principle and justifies recourse to general and absolute marriage laws as legal bases legitimizing temporary marriage and clarifying its rulings, particularly within jurisprudential and legal doctrines. Despite differing legal foundations and approaches before and after the Islamic Revolution, the research demonstrates that pre-revolutionary Iranian legislation was not unfamiliar with this practice, as evidenced by its recognition in laws of that era. Furthermore, the study evaluates legislative shifts in both higher-level (constitutional) and ordinary laws regarding temporary marriage, comparing pre- and post-revolutionary stances. It concludes that the current legislative system’s approach does not align with the jurisprudential-legal capacity of this institution and falls short of the pre-revolutionary standard.

**Keywords:** Temporary marriage (mut‘ah), Non-permanent marriage (nikāḥ munqaṭi‘), Legal documentation, Higher-level laws, Legislation, Permanent marriage (nikāḥ dā‘im).

---

**Cite this article:** Dadmarzi, S.M. (2025). The Matrimonial Nature of Temporary Marriage (‘Aqd-i Muwaqqat). *Parliament and Legislation*, 1(1), p. 109-130. <https://doi.org/10.22034/MLAW.2025.18100.1021>

**Received:** 2024-01-15 ; **Revised:** 2024-01-17 ; **Accepted:** 2024-02-20 ; **Published online:** 2025-04-09

© The Author(s).

**Article type:** Research Article

**Publisher:** Islamic Parliament Research Center



## ماهیت ازدواجی عقد موقت در نظام قانونگذاری ایران

سید مهدی دادمرزی<sup>15</sup>

دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. dadmarzism@yahoo.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ازدواج موقت در نظام قانونگذاری ایران بوده است. در این راستا، اثبات ازدواجی بودن ماهیت متعه و آثار آن، با توجه به اساسی‌ترین شبهه مربوط، مورد واکاوی قرار گرفته است، تا دستمایه لازم برای پذیرش «اصل اشتراک احکام نکاح دائم و موقت» فراهم آید. بر این اساس امکان تمسک به قوانین عام و مطلق ناظر به ازدواج، به عنوان یکی از مستندات قانونی مشروعیت بخش به ازدواج موقت و تبیین گر احکام آن، به ویژه در دکتترین فقهی و حقوقی ناظر به مسأله، موجه جلوه داده شده است. علی رغم وجود بنیان‌ها و رویکردهای حقوقی و قانونی متفاوت در دو مقطع قبل و بعد از انقلاب، تلاش شد تا مشخص گردد که پیشینه قانونگذاری در ایران قبل از انقلاب با این پدیده بیگانه نبوده است و سطح این شناسایی در قوانین آن دوران نیز معرفی شده است. همچنین در دو سطح قوانین بالادستی و قوانین عادی، تفاوت حادث در موضع قانونگذار، نسبت به پدیده ازدواج موقت در قیاس با دوران طاغوت، مورد ارزیابی قرار گرفته و ثابت شد که در نظام قانونگذاری فعلی کشور، این تفاوت با ظرفیت فقهی - حقوقی این تأسیس، همخوانی نداشته و در مقایسه با قبل از انقلاب، در نقطه مطلوبی قرار ندارد.

**کلیدواژه‌ها:** ازدواج موقت، نکاح منقطع، متعه، اسناد بالادستی، قانونگذاری، نکاح دائم.

استناد به این مقاله: دادمرزی، سید مهدی (۱۴۰۴). ماهیت ازدواجی عقد موقت در نظام قانونگذاری ایران. *مجلس و قانونگذاری*، ۱۱(۱)، ص ۱۰۹-۱۳۰.  
<https://doi.org/10.22034/MLAW.2025.18100.1021>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶ ؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۱/۰۸ ؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۲ ؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.

## ۱. مقدمه

پدیده ازدواج موقت امروزه نیز همچنان از جنبه‌های مختلف و با رویکردهای روشی متفاوت، قابل بررسی و پژوهش است. آنچه در این نوشتار محور اصلی بحث را تشکیل می‌دهد، تبیین موضع قانونگذار ایرانی، پیرامون این تأسیس است. از آنجا که قانونگذاری در دو برهه پیش و بعد از انقلاب اسلامی مردم ایران، دارای اقتضانات و رویکردهای بسیار متفاوتی است؛ ضرورت دارد تا این دوگونه نگاه، در خصوص ازدواج موقت مورد عنایت قرار گیرد، تا معلوم شود که آیا پیشینه قانونگذاری در ایران قبل از انقلاب با این پدیده بیگانه بوده است یا خیر؟ و اگر چنین بیگانگی وجود نداشته است، این توجه در چه سطحی بوده است و با نهادینه شدن فقه و حقوق اسلامی در ساختار تقنینی جمهوری اسلامی، چه تفاوتی در موضع قانونگذار نسبت به پدیده ازدواج موقت قابل گزارش است. همچنین لازم است مشخص شود نظام قانونگذاری در ایران - به ویژه بعد از انقلاب اسلامی - به ازدواج موقت فقط در رتبه قوانین عادی عطف توجه کرده است، یا در اسناد بالادستی نیز این مهم مورد عنایت واقع شده است؟ همچنین روشن شود که، سیر تقنین در مورد این ازدواج، سیری معقول و مطلوب بوده است، یا نیاز به اصلاح و ارتقاء و یا حتی امحاء دارد؟ برای نیل به مقاصد یاد شده، ابتدا گزاره ازدواجی بودن ماهیت این عقد و آثار آن با توجه به اساسی‌ترین شبهه مربوطه، مورد واکاوی قرار می‌گیرد تا در ادامه دستمایه اقناعی لازم برای استناد به قوانین عام و مطلق ناظر به ازدواج، به عنوان یکی از مستندات قانونی مشروعیت‌بخش به ازدواج موقت و تبیین‌گر احکام آن در نظام حقوق خانواده کشور فراهم آید. با آشکار شدن اصول موضوعه ناظر به بحث، به تشریح جایگاه قانونی ازدواج موقت در دو برهه قبل و بعد از انقلاب با دورویکرد قوانین عادی و اسناد بالادستی پرداخته و از رهگذر مقایسه آسیب‌شناسانه این دو مقطع، تلاش می‌شود راهکارهای لازم جهت هدایت قانونگذار ارائه گردد. تحقیقات پرشمار فقهی و حقوقی که در خصوص ازدواج موقت از دیرباز تاکنون به صورت مستقل یا غیرمستقل نوشته شده است،<sup>۱</sup> اما پژوهشی که اختصاصاً در مورد تبیین جایگاه ازدواج

۱. فقه‌ای امامیه جدا از توجه کامل به «عقد متعه» در ضمن بحث از «کتاب النکاح»، به صورت مستقل نیز از گذشته تا حال، به این نوع ازدواج توجه داشته‌اند. شیخ مفید از فقه‌های بزرگ قرن چهارم با نگارش کتاب «المتعة» از نخستین فقهایی است که در این زمینه قلم زده است. بعداً محقق ثانی این کتاب را خلاصه کرد (عاملی کرکی، الموجز فی المتعة، ۱۴۱۳ق). در دوران معاصر نیز می‌توان به این موارد اشاره کرد: فکیکی، المتعة و أثرها فی الإصلاح الاجتماعي، ۱۳۹۹ق؛ سبحانی تبریزی، الإنصاف فی مسائل دام فیها الخلاف، ۱۴۲۳ق؛ عسکری، الزواج الموقت فی الإسلام. آقابزرگ تهرانی نیز در بخش‌های مختلف کتاب «الذریعة» اسامی رساله‌های مستقل در مورد متعه را آورده است (صادقی، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۱۸۸). جدیدترین کتاب فقهی منتشر شده درباره ازدواج موقت با نام «رساله فی النکاح الموقت» اثر سید علی موسوی اردبیلی، منتشر شده است. از نقطه نظر حقوقی نیز با وجود مواجه‌گذاری اغلب اساتید برجسته حقوق مدنی به جز سید حسن امامی در ج ۵ دوره «حقوق مدنی»، محسن شفاپی اولین رساله دکتری را در دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۰ با عنوان: «متعه و آثار حقوقی و اجتماعی آن» تدوین کرده است. خانم ساجیکو موراآنا (Sachiko Murata) از کشور ژاپن نیز به

موقت از منظر قانونگذاری در ایران باشد، یافت نشد. از این رو پژوهش حاضر در صدد است افق‌های نوینی را در موضوع ازدواج موقت بگشاید و دستاورد قابل اعتناء و البته قابل ارتقایی را برای دیگر پژوهندگان فراهم نماید.

## ۲. ماهیت ازدواج عقد موقت

پاره‌ای از فقها به صراحت، نکاح را دارای ماهیتی بسیط می‌دانند، بدون آنکه دوام یا موقت بودن نکاح، تفاوتی را در هسته اصلی تشکیل دهنده مفهوم نکاح یعنی علقه زوجیت ایجاد نماید (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۵۱-۱۵۳). بر این اساس، زوجیت دائم، مرکب از اعتبار زوجیت به انضمام ذکر واژه «دوام» یا مقید به عدم ذکر «اجل» نیست، تا ماهیت آن «بشرط شی» یا «بشرط لا» قلمداد گردد؛ چنانکه ماهیت نکاح موقت، زوجیت به قید ذکر مدت نیست، تا ماهیت آن «بشرط شی» تلقی شود؛ بلکه همان زوجیت بسیطه است که آوردن مدت باعث شده تا بقای آن تحدید شود. در واقع، مدت، مانع بقای زوجیت است، و نه عنصری از عناصر متشکله نکاح. شاید یکی از روشن‌ترین عبارات در این باره، عبارت سید محسن حکیم باشد که می‌نویسد: «ان التحقیق ان عقد الانقطاع راجع الی عقد التزویج بشرط الانفساح فی الاجل...» (حکیم، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۴۰۷)، «به حسب تحقیق باید گفت، ازدواج موقت همان عقد نکاح (بسیط) است، به شرط انفساخ در فرض حلول اجل...! بر این اساس، نتیجه گرفته شده است که: حکم فقهی نکاح دائم، تلقی شدن ازدواجی که به قصد نکاح دائم انشاء شده، ولی مدت در آن ذکر نشده است، نه تنها حکمی برخلاف قاعده «العقود تابعة للقصود» نیست، بلکه مطابق قاعده نیز می‌باشد (همان). در پاره‌ای کلمات نیز با غیر قابل انکار دانستن اشتراک نکاح موقت و دائم در اصل ایجاد علقه زوجیت در عین مختلف بودن پاره‌ای از احکام این دو نکاح، نسبت عقد دائم و موقت را با یکدیگر، نسبت ماهیت جنسی به ماهیت نوعی یا ماهیت نوعی به ماهیت صنفی دانسته‌اند (بحرانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۶۸). با این وصف به نظر می‌رسد که تعبیر قرآنی بلندی چون: «میثاق غلیظ» یا «جعل مودت و رحمت» در روابط زن و شوهر با گذرا بودن عقد موقت، به خصوص با عنایت به غالب مصادیق خارجی آن که گاهی چند ساعت بیشتر بقاء ندارد، سازگاری نداشته باشد و نظر به متفاهم عرفی از چنین تعبیری، بتوان بسیاری از الفاظ وارد شده در مدح ازدواج و توصیه به آن در روایات را منصرف از نکاح موقت دانست که پاره‌ای از تأییدات این برداشت در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرد، ولو آنکه با نظر دقیق، هر دو را در اصل زوجیت مشترک بدانیم؛ اگرچه همین هم محل تأمل است و چه بسا بتوان علقه زوجیت را نیز مقول به تشکیک دانست، که مرتبه اعلای آن در نکاح دائم متجلی می‌شود. شاید پاره‌ای از مفسرین

هم که بلافاصله بعد از تعبیر قرآنی «میثاقا غلیظا» عبارت «علی دوام النکاح» را اضافه می‌کنند (صادقی تهرانی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۸۱)، به همین برداشت تمایل دارند. به هر حال، نکته مورد نظر این است که عقد موقت نیز به حسب ذاتش، ازدواج است و ایجادکننده رابطه زوجیت؛ ولو آنکه مورد تشویق در شرع یا قانون قرار نگرفته باشد؛ چنانکه ماده ۲۱ قانون حمایت از خانواده در سال ۱۳۹۱ مقرر می‌دارد که: «نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی، نکاح دائم را که مبنای تشکیل خانواده است، مورد حمایت قرار می‌دهد. نکاح موقت نیز تابع موازین شرعی و مقررات قانون مدنی است...». تحلیل یاد شده مطابق نظر اندیشمندانی است که گفته‌اند: روایات تشویق‌کننده به عقد موقت، برای جلوگیری از متروک و منسوخ شدن تدریجی این قانون اسلامی به عنوان «حکمت ثانوی» این تشريع است و روایات پرهیز دهنده مردان زن‌دار از اقدام به ازدواج موقت نیز به اعتبار «حکمت اولیه» این قانون مبنی بر اختصاص آن به موارد عدم امکان ازدواج دائم است (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱۹، ص ۸۲). مقصود اسائیدی هم که تصریح می‌کنند: «هیچ‌گاه نظر اسلام آن نیست که ازدواج موقت به عنوان یک اقدام، اصل شناخته شود؛ بلکه در امر وصلت و زناشویی، اصل، ازدواج دائم است» (محقق داماد، ۱۳۶۵، ص ۲۱۵)، هماهنگ با تحلیل فوق است. روایت زیر به خوبی موید همین برداشت است: «از اصرار بر متعه امتناع کنید و سنت یعنی ازدواج دائم را به‌پا دارید. با پرداختن به متعه، از همسران خویش غافل نشوید، تا آنان از دین خدا روی گردانند و از دوستی ما منصرف شوند و بر بنیانگذار متعه متعرض شده و ما را نفرین نمایند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۵۲). پاره‌ای از فقها هم که نکاح دائم را نکاح مطلوب از نظر اسلام که تأمین‌کننده غرض تناسل بوده و دربردارنده مواده میان زن و شوهر است را معرفی می‌کنند، بر همین نکته تأکید دارند (عاملی کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۳۴).

### ۳. شبهه اساسی در ازدواج دانستن عقد موقت

نسبت به تبیین ماهیت ازدواجی عقد موقت، این شبهه قابل طرح است که چنین رویکردی، نوعی تکلف و صحنه‌سازی و در واقع بَک کردن روابط آزاد جنسی با پوسته ظاهری ازدواج است (فحشای قانونی!!!). با همین برداشت است که این ازدواج را «روسپیگری مشروع» هم خوانده‌اند که در جوار مراکز زیارتی رواج دارد!!! (کریمی نیا، ۱۳۹۰، ص ۷۷). همین رویکرد است که موجب گردیده حتی در سطح عالی‌ترین مسئولان مرجع تصمیم‌گیر کلان فرهنگی نیز قبیح شمردن متعه در حدی بالاتر از زنا، باوری شایع معرفی گردد (خسروپناه، ۱۴۰۱). اگر بدو تصور می‌شود چنین باوری فقط قابل انتساب به باور عمومی است؛ اما به نظر می‌رسد رگه‌هایی -البته تلطیف شده‌تر- از همین سنخ تلقی در بین نخبگان مسئول فرهنگی کشور نیز قابل رصد است. به عنوان نمونه، مجرد احتمال بی‌مبنای جایگزینی ازدواج موقت به جای دائم، به عنوان دلیل عدم تصویب به موقع آیین‌نامه «قانون تسهیل ازدواج»، آنچنان هراس‌آور قلمداد می‌شود که

«شورای فرهنگی اجتماعی زنان» به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های کلان‌ترین نهاد تصمیم‌گیر فرهنگی کشور (شورای عالی انقلاب فرهنگی) در پانصد و شصتمین جلسه خود، ضمن انتقاد به طراحان نظریه ازدواج موقت - به بهانه اینکه مانع عملیاتی شدن قانون تسهیل ازدواج جوانان است -، تاکید می‌کند که: نکاح موقت، موجب افزایش دعاوی مدنی و خانوادگی است؛ به طوری که امروزه اینگونه ازدواج حتی برای دوره نامزدی زوجین نیز به زحمت، قابل توصیه است! این شورا همچنین مسکوت ماندن احکام فقهی ازدواج موقت در کتب حقوقی و مدنی را یادآور شده و افزوده است: با فرض اینکه ازدواج موقت بتواند مغری از ارتکاب رابطه نامشروع باشد، اما با توجه به اینکه بسیاری از احکام ازدواج موقت، به دلیل عدم شیوع آن در کتب قانونی ایران منعکس نشده است، لذا، منجر به تضییع حقوق زنان و اطفال متولد از این نوع نکاح شده و محتاج تأمل بسیار است. وجود این احکام در کتب فقهی با توجه به اختلاف بین فتاوی‌ای علما و فقها و فقدان ضمانت اجرا برای پیروی از آن در فقه حکومت اسلامی، معضلات ناشی از ترویج این نوع ازدواج را حل نخواهد کرد (شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۶). بحران‌زا بودن ازدواج موقت همسر بدون اطلاع زوج، در اغلب موارد، و مواجهه بسیاری از زنان شوهردار با پدیده ازدواج موقت همسرانشان، در قالب‌های افشاگرانه و یا انتقام‌جویانه به جای تاب‌آوری و حل مسأله، از تلقی به غایت منفی از ازدواج موقت و خیانت دانستن آن حکایت دارد (سقاییت و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۲۴۶-۲۴۹). البته عوامل موثر بر این طرز تلقی، طیفی متنوع از عوامل اجتماعی، روانی، اعتقادی و جز آن را تشکیل می‌دهد؛ در این میان، نقش بی‌اطلاعی از موقعیت قانونی و مشروع این ازدواج و مشتبه بودن امر آن با روابط نامشروع، نباید نادیده گرفته شود.

پاسخ این شبهه با دقت در ماهیت ازدواجی عقد موقت به ویژه براساس تحلیل بسیط بودن اصل زوجیت آشکار است؛ اما برای زدودن ریشه‌های این توهم، در ادامه چند نکته تذکر داده می‌شود:<sup>۱</sup>

**اول) قالب‌های حقوقی، راه مشروع رسیدن به اغراض طرفین است.** مجرد تشابه در یک نتیجه مهم خارجی، مخدوش‌کننده اعتبار چنین قالب‌هایی نیست. رسیدن به مقصدی معین با وسیله نقلیه از یک مسیر ممنوعه ممکن است؛ اما قانون با آن مقابله می‌کند. کام‌جویی جنسی در «زنا» و «نکاح» به عنوان یک امر مادی محض، مشترک است؛ اما این تشابه از بین برنده مرز نکاح و سفاح نیست. «اکل مال مسروقه»، «اکل» یعنی همان مال خریداری شده، یک واقعیت خارجی است؛ اما سرقت، جرم و بیع، عملی مباح شناخته می‌شوند. در همین راستا تعبیر یا قاعده فقهی مأثور: «انما یحلل الکلام و یحرم

۱. از نیم قرن پیش نیز اندیشمندی چون شهید مطهری به هنگام تبیین ازدواج موقت، به معایب و مفسد ادعایی پیرامون ازدواج موقت توجه کرده و ضمن گزارش آنها، در مقام پاسخ برآمده است. جان‌مایه اصلی آن ایرادات و پاسخ‌ها البته با بیانی دیگر در متن آمده است (برای مطالعه بیشتر رک: مطهری، ۱۳۶۹، ص ۶۴-۷۳؛ محمدزاده و نظری توکلی، ۱۴۰۰، ص ۱۶۷-۱۸۲).

الکلام» (کلینی ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۱۷۶) می‌تواند به موضوعیت نداشتن حصول نتیجه و نقش آفرینی قالب در تحقق نتیجه مورد حمایت مقنن و شارع تفسیر گردد.

**دوم) تبعیت نکاح موقت از عمده احکام مترتب بر شکل‌گیری نکاح دائم و نیز تشابه احکام مترتب بر نکاح دائم پس از شکل‌گیری می‌تواند این معنا را تقویت کند که نکاح موقت نمی‌تواند یک ماهیت بزرگ شده از رابطه نامشروع باشد؛ در حالی که در فقه و حقوق ایران، رابطه نامشروع -نه در مرحله وقوع و نه پس از وقوع- تابع انضباط شرعی و قانونی نیست. از این رو جدا از حاکمیت قواعد عام قراردادهای (مانند اهلیت) و قواعد اختصاصی و عام ناظر به نکاح دائم (مانند اختلاف جنسی متعاقبین) بر وقوع ازدواج موقت، ملاحظه می‌شود که آثار مهمی چون «نسب مشروع» و «توارث» بر اطفال متولد از این نکاح درست به مانند نکاح دائم مترتب است.**

**سوم) تعریف فحشای مورد مقایسه با ازدواج موقت، کاملاً با تعریف ازدواج موقت متفاوت است.** «فحشا» (در این إشکال) یعنی: دادن خدمت جنسی بدون ایجاد رابطه زوجیت در برابر دریافت پول از متقاضی. در حالی که عقد موقت، موجب پیدایش علقه زوجیت یا همان زن و شوهری میان طرفین عقد شده و جواز رابطه جنسی، سرریز این امر است. از این رو اگر طرفین عقد منقطع، قصدشان صرفاً دادن پول در ازای سرویس جنسی باشد؛ بی‌آنکه زوجیت را قصد کرده باشند، عمل آنها مصداق زنا خواهد بود، و نه نکاح. در واقع خدمات جنسی، متفرع بر حصول زوجیت و در طول پیدایش آن است و بدون ایجاد رابطه زن و شوهری، رابطه‌ای نامشروع قلمداد می‌گردد. با این حال، پاره‌ای از فقهاء، نکاح موقت را که غرض اصلی آن، کام‌جویی و پاکدامنی از معصیت است، برخلاف تصریح به عبادت بودن عقد دائم، به قراردادهای معوض مالی ملحق می‌کنند و به تعبیر «مستاجرات» که در بعضی روایات در مورد زنان منقطعه به کار رفته است، استشهد می‌نمایند (عاملی کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۱۹) و بر این تفاوت، آثار وضعی خاصی را بار می‌کنند؛ از جمله اینکه: شرط عدم نزدیکی را در نکاح دائم به دلیل مغایرت با تناسل باطل، ولی در نکاح موقت به دلیل آنکه کام‌جویی متوقف بر تناسل نیست، صحیح محسوب می‌دارند (همان، ص ۳۹۲-۳۹۳).<sup>۱</sup> در این میان امام خمینی با تصریح بر اینکه متعه، حقیقتاً نکاح و ازدواج است و از این جهت با نکاح دائم تفاوتی ندارد! بر تباین ماهیت نکاح موقت و عقد اجاره -عقلاً و عرفاً- تأکید کرده و مهریه را غیر از اجرت در اجاره معرفی و یادآور می‌شوند: به همین خاطر است که نکاح موقت، مطلقاً با لفظ «اجاره» و اجاره با لفظ «نکاح» منعقد نمی‌شود! ایشان با ارائه شواهدی متعدد، تعبیر روایی «مستاجرات» را تعبیری مجازی اعلان می‌دارند و استدلال ائمه (ع) را به آیه «فما استمتعتم به منهن فاتوهن

۱. به نظر می‌رسد که اجازه‌انگاری متعه بیشتر نزد علمای اهل سنت، آن هم با تعبیری بسیار تحقیرآمیز و متعصبانه مانند: تشبیه به اجاره چهارپایان، دیده می‌شود، تافقه‌ای امامیه! (برای مطالعه پیرامون صحت این برداشت ر.ک: محمدزاده و نظری توکلی، ۱۴۰۰، ص ۱۶۸-۱۶۹).

اجورهن» (نساء، ۲۴)، با محوریت فراز «استمتعتم» معرفی می‌کنند، و نه «اجورهن»؛ چنانکه در آیه مربوط به زنان پیامبر (ص)، مراد از «اجورهن» را براساس توسُّع یا همان تجوُّز، «مهورهن» می‌دانند، و نه اجرت انجام عملی خاص. ایشان در آخر اضافه می‌کنند: اینکه ملاحظه می‌شود مطابق روایتی از علی (ع) حضرتش به خدا پناه می‌برد از اینکه برای زن در عقد نکاح، اجرت معین شود! مقصود معنای حقیقی و متعارف اجرت در باب اجاره کردن متاع است، و نه معنای مجازی آن (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۶۲-۶۵). این برداشت و تصریح بر حقیقی نبودن تعبیر «هُنَّ مستاجرات» که در روایات بر زنان منقطعۀ تطبیق شده است (حرّعاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۴۴۶)، مورد تصریح فقهای دیگری به جز امام خمینی نیز قرار گرفته و اینکه عرف، چون بُضْع را جزو منافع محسوب نمی‌دارد، لذا، در عقد موقت، حقیقت اجاره و استیجار را شناسایی نمی‌نماید (اراکي، ۱۳۷۷، ص ۳۵۸)، چنانکه تصریح بر عدم وقوع عقد موقت با لفظ اجاره در فتاوی‌ای فقهای صاحب نام معاصر نیز وجود دارد (سیستانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۷۳).

ممکن است گفته شود: جایگاه متفاوت مهریه در نکاح دائم با موقت، مانع چنین تفسیری از مهریه عقد منقطع و تأییدی بر اجرت بودن آن است!!! زیرا، عدم ذکر مهر، تاثیری در صحت عقد دائم ندارد (ماده ۱۸۷ ق.م)، اما عدم ذکر مهریه در عقد موقت، بطلان آن را در پی دارد (ماده ۱۰۹۵ ق.م) و همین نکته می‌رساند مالی که مهر قرار داده می‌شود، بهاء و عوض این رابطه است!! یا اینکه: حسب فتوای مشهور فقهای امامیه و با وجود سکوت یا ابهام مسأله در قانون مدنی، اخلال عمدی در تمکین خاص توسط زوجه منقطعۀ موجب می‌شود تا متناسب با آن از مبلغ مهریه کسر شود (دهقان‌نژاد و هدایت‌نیا، ۱۴۰۱، ص ۱۵۱-۱۵۲) که می‌تواند به معنای عوض بضع بودن مهریه در این عقد باشد. باید گفت، این برداشت نیز نادرست است و تاثیر عدم ذکر مهر در عقد موقت جزو احکام آن است، و نه آنکه مهریه، عوض باشد؛ همانند نفقه در عقد دائم که با نشوز زوجه قابل اسقاط است؛ اما عوض بضع، نیست. یکی از مویّدات مطلب این است که، در تمامی معاملات مالی معوض، خیار غبن راه دارد؛ در حالی که خیار غبن در عقد موقت راه ندارد. پس، نباید ضرورت مهر در این نوع نکاح را به مثابه ضرورت ثمن برای بیع و یکی از دو رکن عوض تشکیل دهنده آن در نظر گرفت. بنابراین، اگر مقدار مهریه در یک عقد موقت، فوق متعارف باشد -ولو زوج از مهر متعارف آگاهی نداشته باشد- این امر، هرگز موجب نمی‌شود تا برای زوج، حق فسخ به سبب غبن به وجود بیاید؛ در حالی که اگر مال موضوع مهریه، عوض دریافت سرویس جنسی می‌بود، باید -مانند اجاره اشخاص در جایی که اجرت قراردادی با منفعت مورد اجاره تناسب عرفی ندارد- برای متضرر، خیار غبن به وجود می‌آمد. همچنین اساساً نفس «بُضْع»، فاقد مالیت متعارفه نزد عرف است و به «مال» برآورد نمی‌شود و لوازم مالیت مانند: غنا، استطاعت، انتقال به سبب ارث، خمس و غیره بر آن مترتب نمی‌گردد (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۹۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۲، ص ۱۴۶؛ نجفی، بی تا، ج ۲۹، ص ۳۲۷؛ انصاری، ۱۴۱۵، ص ۱۸۷). مویّد دیگر اینکه، فوت زوجه در

مدت عقد و پیش از نزدیکی، مسقط مهر منقطعه (ماده ۱۰۹۶) نیست؛ در حالی که در عقد مالی معوضی چون اجاره، غیرقابل انتفاع شدن مورد اجاره یا اجیر، از اسباب بطلان (انفساخ) اجاره معرفی شده است (ماده ۴۹۶ ق.م). همچنین «حق امتناع زوجه» یا همان حق حبس زوجه، اگرچه در عقد دائم مورد پذیرش قرار گرفته است (ماده ۱۰۸۵ ق.م)؛ اما اولاً، این حق، در نکاح دائم نیز فاقد اوصاف حق حبس در قراردادهای مالی است و امری کاملاً یک طرفه به نفع زوجه می باشد؛ ثانیاً، در عقد منقطع، حسب پاره‌ای تصریحات (سیستانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳) از اساس، چنین حقی پذیرفته نشده است؛ در حالی که اگر بنا بود رابطه مهر و بضع به مثابه خدمت و پرداخت بهای آن باشد، وجود حق حبس در عقد موقت محتمل تر می نمود. شاید بنا به همین ملاحظات است که وقتی پاره‌ای محققان به اکثریت فقهای امامیه نسبت می دهند که ایشان نکاح منقطع را عقد معاوضه شناخته اند؛ در ادامه به درستی یادآور می شوند که: اغلب فقها آن را عقدی با حقیقت معاوضه نمی دانند (سرخوش و نورنمکی، ۱۴۰۳ ق، ص ۲۲۶، ۲۲۹). نکته قابل تأمل در این میان آن است که، در کتاب بسیار مهم «وسائل الشیعه» در ابواب مربوط به متعه، بابی با این عنوان وجود دارد: «بَابُ كَرَاهَةِ التَّمَتُّعِ بِالزَّانِيَةِ الْمُسْهُوَرَةِ بِالزَّانَا» (عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۱، ص ۲۷)، که ذیل آن روایاتی آمده که خود «صاحب وسائل» از آنها چنین استنباط کرده که به ازدواج موقت درآوردن زنی که به زنا شهرت دارد، عملی نکوهیده است! فهم این عنوان و روایات ذیل آن، جز با متمایز دانستن «زنا» و «نکاح موقت» قابل درک نیست!

**چهارم)** مجرد رضایت طرفین به داشتن رابطه جنسی در ازای مهر بدون قصد انشای زوجیت و ابراز آن به گونه‌ای معتبر، اباحه و طی را در پی ندارد! حتی در ادامه نیز مجرد چنین رضایتی نمی تواند مبیح عمل به شمار آید. دو استفتای زیر به خوبی گویای این حقیقت است:

**سؤال:** شخصی زن را صیغه یک ساعته قرار می گذارد؛ یک دفعه در اول دخول می کند، دفعه دوم بعد از ۵۵ دقیقه دخول می کند، ده دقیقه طول می کشد، آن پنج دقیقه که زیاد شده، حلال است یا حرام؟  
امام خمینی: بسمه تعالی، حرام است.

**سؤال:** شخصی یک ساعته صیغه می کند، یک ساعت که تمام شد، زن بگوید یک ساعت دیگر راضی هستم، راضی بودن زن صحیح است؟ یا این مرد باید دوباره صیغه بخواند؟

امام خمینی: بسمه تعالی، بدون عقد جدید جایز نیست (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۹، ص ۱۹۸). برداشت منفی و مشمئزکننده از ازدواج موقت، اختصاص به دوران معاصر و ازدیاد شبهات طبیعی یا تولیدی مراکز شبه افکن و اسلام ستیز ندارد؛ بلکه از همان زمان امامان معصوم (ع) دارای سابقه است. این روایات به خوبی از این امر پرده برمی دارد: «عبدالله بن عمیر نزد امام باقر (ع) آمد و سوال کرد: در مورد صیغه زنان چه می گوئید؟ ایشان پاسخ داد: در کتاب خدا و سنت رسولش حلال شده تا روز قیامت. سپس به امام گفت: چگونه تو چنین می گویی؟ در حالی که شخصی چون عمر آن را حرام کرده است!!

امام فرمود: تو بر قول صاحب «عُمَر» باش و من بر قول پیامبر (ص). سپس امام (ع) گفت: بیا تا با تو در این باره مباحثه نمایم. عبدالله بن عمر پاسخ داد: آیا برایت آسان است که زنان، دخترانت و خواهرانت این کار را انجام دهند؟ پس امام باقر (ع) از این گفته بدش آمد و از او روی گردانید و پاسخش نداد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۴۹).<sup>۱</sup> کلینی می گوید: «علی بن ابراهیم گفته است: ابوحنیفه از ابوجعفر محمد بن نعمان صاحب طاق<sup>۲</sup> پرسید: ای ابوجعفر، در مورد متعه چه می گویی؟ آیا آن را حلال می دانی؟ گفت: آری. گفت: پس چرا زنان منسوب به خود را از اینکه متعه شوند و (برایت) درآمد کسب کنند، باز می داری؟ ابوجعفر پاسخ داد: چنین نیست که در هر چیزی (و بر ای هر کسی) شوق و رغبتی است، هر چند در شمار حلال ها باشد. مردم اندازه ها و مراتبی دارند و اندازه های خود را نگه داشته و مراتب و جاهت خویش را مراقبت می نمایند؛ ولی ای ابوحنیفه! در مورد نبیذ چه می گویی، آیا حلال است؟ گفت: آری. گفت: پس چرا زنان را در مغازه های شراب فروشی به کار نبیذفروشی<sup>۳</sup> نمی گماری، تا برایت درآمد کسب کنند؟ ابوحنیفه گفت: یکی در برابر یکی، ولی پاسخ تو محکم تر بود» (همان، ص ۴۵۰).<sup>۴</sup>

۱. «عن زارة قال جاء عبد الله بن عمير الى ابي جعفر (الباقر) فقال ما تقول في متعة النساء؟ فقال ابو جعفر احلها الله في كتابه و على لسانه نبیه فهی حلال الى يوم القيامة وذكر كلاما طويلا، ثم قال ابوجعفر لعبدالله بن عمير هلم الى الاعدك فأقبل عليه عبدالله بن عمير وقال ايسرک ان نساك وبناتک و اخواتک و بنات عمک يفعلن ذلك؟ فاعرض عنه ابو جعفر وعن مقاتله عندما ذكر له نساؤه وبناته وبنات عمه»

۲. «محمد بن علی بن نعمان بن ابي طریفة بجلی کوفی» در گذشته ۱۶۰ یا پس از ۱۸۰ قمری ملقب به مؤمن الطاق، از اصحاب امام صادق (ع) و متکلمان شیعه در قرن دوم قمری است. وی در کلام و فقه تبحر داشت و با مخالفان شیعه مانند ابوحنیفه مناظره می کرد. نام پدرش علی است، اما گاهی به اعتبار انتساب به جدش نعمان، او را محمد بن نعمان نیز می گفتند. کنیه وی «ابوجعفر» است و القابش، أحول، طاقی، صاحب طاق و شاه طاق است. این لقب بدین خاطر بود که وی در طاق المحامل کوفه دکان صرافى داشت (ر.ک: عطایی، ۱۳۷۶).

۳. از روایت مذکور در متن استفاده می شود که شرب نبیذ مسکر به فتوای ابوحنیفه حلال بوده، اما در نظر عرف، نوشیدنش کار سبکی به شمار می آمده است. از پاره ای روایات نیز به دست می آید که: در زمان هجرت به مدینه، به دلیل اینکه آب مدینه با مزاج مهاجرین سازگار نبود و مورد شکایت ایشان واقع می شد، یا اینکه آب شهر مدینه تغییر حالت داده و از طبیعت اولیه اش خارج و دچار نوعی فساد شده بود؛ لذا پیامبر (ص) دستور دادند که برای رفع این مشکل، در ظرف های آب، کمی خرما بریزند؛ اما در حین این دستور تأکید کردند که این کار به گونه ای انجام شود که رنگ و طعم آب عوض نشود. در آن دوره، اسم این آب را بعضی ها «نبیذ» گذاشتند. کم کم، منافقین از این مسئله سوءاستفاده کردند و درون ظروف آب، خرماى بیشتری ریختند. ریختن خرماى بیشتر درون آب باعث می شد که پس از مدتی تخمیر رخ دهد و به شراب مست کننده خفیفی تبدیل شود و بدین وسیله افراد با اسم «نبیذ» شراب خواری می کردند (ر.ک: طوسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۶).

۴. «عَلِيٌّ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ سَالُ أَبُو حَنِيفَةَ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ النُّعْمَانِ صَاحِبَ الطَّاقِ فَقَالَ لَهُ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مَا تَقُولُ فِي الْمُتْعَةِ أَتَزْعُمُ أَنَّهَا حَالِلٌ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَمَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَأْمُرَ نِسَاءَكَ أَنْ يَسْتَمْتَعْنَ وَ يَكْتَسِبْنَ عَلَيْكَ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ لَيْسَ كُلُّ الصَّنَاعَاتِ يُرْغَبُ فِيهَا وَإِنْ كَانَتْ حَالِلًا وَ لِلنَّاسِ أَقْدَارٌ وَ مَرَاتِبٌ يَزْفَعُونَ أَقْدَارَهُمْ وَ لَكِنْ مَا تَقُولُ يَا أَبَا حَنِيفَةَ فِي النَّبِيذِ أَتَزْعُمُ أَنَّهُ حَالِلٌ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ فَمَا يَمْنَعُكَ أَنْ تُقْعِدَ نِسَاءَكَ فِي الْحَوَانِيتِ تَبَاذَاتٍ فَيَكْتَسِبْنَ عَلَيْكَ فَقَالَ أَبُو حَنِيفَةَ وَاحِدَةً وَاحِدَةً وَ سَهْمَكَ أَتَقْدِرُ...»

همان گونه که از دقت در فرازها و روایت فوق استفاد می شود، در روایت اول، امام (ع) شخص شماتت کننده را که در مقام فهمیدن نبود و فقط قصد توهین و تعریض داشت، قابل برای پاسخ نمی بیند. در حدیث دوم که نقل قول شاگرد امام (ع) است - اما به دلیل متّخذ بودن گفتار او از کلام معصوم (ع)، دانشمندی چون کلینی آن هم در کتاب روایی مهمی چون «کافی» با آن معامله روایت می کند - شاگرد مبرز مکتب تشیع، چنان پاسخی به پرسش گر می دهد که در مقیاس ادبیات امروزی نیز در اوج قرار دارد. جان پاسخ متّخذ از معصوم (ع) توسط این شاگرد آن است که: صرف وجود یک ظرفیت مشروع در شریعت، مجوز و مشوق به کارگیری همگان از آن امکان نیست؛ بلکه چنین امکانی می تواند در جای خود و بسته به شرایط، توسط جامعه هدف به کار گرفته شده و سدّ راه فساد گردد. مهم آن است که قالب منعطف و مشروع متعه در کنار قالب متصلب نکاح دائم، بتواند غریزه فوق العاده نیرومند جنسی را برای تمام گروه ها در شرایط متفاوت، به گونه ای واقع بینانه مدیریت نماید. بر این اساس می توان اضافه کرد که: انحصار ارضای چنین غریزه ای به ازدواج دائم، به دلیل عدم انطباق با واقعیات بیرونی و قوت این غریزه، موجب زیر پا گذاردن قانون و تن دادن به راهکارهای نامشروع می شود. چنانکه همین رویکرد به ویژه در جهان معاصر غربی، تبعات فردی و اجتماعی هشداردهنده بی شماری را پدید آورده است (دادمرزی، ۱۴۰۳، ص ۴۲-۴۶).

#### ۴. احکام اختصاصی ازدواج موقت در عین اصل اشتراک احکام ازدواج دائم و موقت

ازدواج موقت به ویژه با این تحلیل که زوجیت، امری بسیط است که اصل آن در هر دو نوع عقد دائم و موقت یکسان می باشد؛ به طور طبیعی این نتیجه را ایجاد می کند که احکام این دو عقد نیز باید علی الاصول یکسان باشد. این استنتاج بی راه نیست و مورد تأیید صاحب نظران نیز واقع شده است (صفایی و امامی، ۱۳۸۶، ص ۲۵؛ محقق داماد، ۱۳۶۵، ص ۲۱۲)؛ به گونه ای که تصریح کرده اند که: «اصل، اشتراک احکام این دو نوع نکاح است» (صفایی و امامی، ۱۳۸۶، ص ۲۹). بیشترین بروز این خصیصه در مرحله پیدایش و عمده آن در مرحله آثار، و بخشی نیز در مرحله انحلال نکاح قابل شناسایی است. قانون مدنی نیز هر جا که از کلمه نکاح به گونه مطلق استفاده کرده و هیچ قرینه لفظی یا حالی نیز در کار نیست، به هر دو نوع ازدواج دائم و موقت نظر دارد. در هر حال، می توان گفت: در مرحله تحقق، اختصاص لفظ «مَتَّعْتُ»، ضرورت ذکر مدت و نیز مهریه از بارزترین ممیزات این نکاح نسبت به دائم است. عدم استحقاق نفقه، عدم توارث میان زوجین، نداشتن قَسَم، عدم اناطه استقرار تمام مهر به دخول و مانعیت نداشتن استیفای عدد و کفر (نسبت به کتابیه) نیز از مهم ترین آثار اختصاصی عقد موقت براساس فتوای مشهور در فقه و مختار قانون مدنی و دکترین حقوقی و رویه قضایی ایران است. فقدان طلاق به عنوان یکی از اسباب ازاله قید زوجیت و تفاوت مدت عده انحلال این عقد نسبت به دائم و نبود رجوع در

آن، عدم جریان لعان، ایلاء وظهار در نکاح موقت، مهم‌ترین احکام مختص به نکاح موقت در قیاس با عقد دائم در مرحله انحلال نکاح است که البته در مورد پاره‌ای از آنها اختلاف وجود دارد (جزیری و همکاران، ۱۴۱۹ق، صج ۵، ص ۱۹۷؛ صادقی، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۲۰۶-۲۱۰؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۹).

## ۵. ازدواج موقت در قوانین عادی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

قانونگذاری نوین در ایران، همزاد مشروطیت است (دادمرزی، ۱۳۹۸، ص ۱۸). مهم‌ترین قانون دوران مشروطه، قانون اساسی ایران و متمم آن به عنوان قانونی بالادستی است؛ اما در آنها، نه از ازدواج (اعم از دائم و موقت) سخن گفته شده، نه از خانواده و نه حتی از زن؟! «قانون مدنی ایران به عنوان قانونی ماهوی، مادر و مبنایی در ساختار حقوقی کشور، در فاصله سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۴ شمسی به تصویب رسیده است. در قانون مدنی ایران از پیش از انقلاب تاکنون، عقد موقت، بیشتر با عنوان نکاح، ازدواج و عقد «منقطع» مورد تأیید قرار گرفته و تعریف و احکام آن در مواد متعدد قانون مدنی ذکر شده است. در این راستا، عنوان یکی از فصول باب اول (با عنوان «در نکاح») از کتاب هفتم (با عنوان «در نکاح و طلاق») قانون مدنی چنین ذکر شده است: «فصل ششم: در نکاح منقطع». این نحوه چینش نشان می‌دهد که از نظر قانون مدنی، تردیدی در نکاح بودن ازدواج موقت وجود ندارد. در ذیل این فصل، ۳ ماده به این ترتیب ذکر شده است:

♦ ماده ۱۰۷۵: نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد.

♦ ماده ۱۰۷۶: مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود.

♦ ماده ۱۰۷۷: در نکاح منقطع، احکام راجع به وراثت زن و مهر او همان است که در باب ارث و در فصل آتی مقرر شده است.

---

۱. قانون اساسی مشروطیت در ۸ دی ماه ۱۲۸۵ش و در ۵۱ اصل تنظیم و به امضای مظفرالدین‌شاه قاجار رسید. چون این قانون بعد از موفقیت مشروطه‌خواهان در گرفتن فرمان مشروطه و با عجله تهیه شده بود و در آن ذکری از حقوق ملت و سایر ترتیبات مربوط به رابطه اختیارات حکومت و حقوق ملت نبود، «متمم قانون اساسی» تهیه شد و در ۱۰۷ اصل در سال ۱۲۸۶ش به تصویب مجلس و امضای محمدعلی‌شاه قاجار رسید. بعدها با تشکیل مجلس مؤسسان، در چند نوبت برخی از مواد این قانون تغییر کرد که مهم‌ترین آن تغییرات در پی کودتای سال ۱۲۹۹ش و انقراض سلسله قاجار و روی کار آمدن رضاخان پهلوی به وقوع پیوست و قانون اساسی مورد بازنگری قرار گرفت و سلطنت به نام رضاخان و اعقاب ذکور او کلید خورد. این قانون اساسی چند بار نیز در زمان محمدرضا شاه پهلوی تغییر کرد؛ اما همچنان با نام «قانون اساسی مشروطه» به حیات خود ادامه داد، تا اینکه با پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون اساسی جدید در سال ۱۳۵۸ از اعتبار ساقط شد. این همه در شرایطی است که مطابق قانون اساسی مشروطه و نیز متمم آن، چهار بار کلمه «خانواده» با اضافه شدن به قاجار و قاجاریه و واژه «بانو» فقط به صورت شهبانو دو بار ذکر شده بود!!!!

البته در مواضع دیگر قانون مدنی نیز به مناسبت، ازدواج موقت مورد توجه و موضوع حکم قرار گرفته است؛ از جمله در ماده ۱۱۵۲ راجع به عده نکاح منقطع در غیر وفات، ماده ۱۱۵۴ راجع به عده وفات برای زوجه در عقد منقطع، ماده ۱۱۳۹ راجع به طرق خارج شدن «زن منقطعه» از قید زوجیت، مواد ۱۰۹۴ تا ۱۰۹۸ راجع به احکام اختصاصی مهر در نکاح منقطع، ماده ۱۰۴۸ راجع به یکی از موانع نکاح، ماده ۹۹۳ راجع به سجل احوال، ماده ۱۰۲۸ راجع به نفقه تعهد شده زوجه؛ مفهوم ماده ۱۰۶۹ راجع به ابطال عقد موقت به سبب درج خیار شرط نسبت به مهریه در آن، مفهوم ماده ۱۰۸۷ راجع به بطلان نکاح موقت به سبب عدم ذکر مهر در آن یا درج شرط عدم مهر در آن، مفهوم ماده ۱۱۰۶ راجع به عدم تکلیف زوج به دادن نفقه به زوجه در عقد موقت، ماده ۱۰۹۸ راجع به عدم تعلق مهر به زوجه در نکاح باطل اعم از دائم و منقطع در فرض عدم نزدیکی و امکان استرداد مهر داده شده در فرض یاد شده توسط زوج. گذشته از تصریحات یاد شده به حکم اصل اشتراک ازدواج دائم و موقت که برآمده از ماهیت ازدواجی این عقد است و در عنوان قبلی نیز مورد اشاره قرار گرفت، می توان ادعا کرد که بسیاری از مقررات مربوط به نکاح در قانون مدنی که مقید یا منصرف به عقد دائم نشده است، جزو ادله قانونی مشروعیت ازدواج موقت، قابل احتساب است.

قانون راجع به ازدواج مصوب ۲۳ مرداد سال ۱۳۱۰ش را شاید بتوان از معدود قوانینی دانست که در زمان طاغوت بعد از تصویب قانون مدنی، به عقد موقت، اگرچه به غیر تصریح توجه نشان داده است، عبارت «هر ازدواج» در صدر ماده ۱ این قانون که در اصلاحات بعدی در سال ۱۳۱۶ش و ۱۳۱۷ش نیز تغییر نیافت، به خوبی این عطف توجه را نشان داده و مقرر می دارد: «در نقاطی که وزارت عدلیه معین و اعلام می نماید هر ازدواج ... باید در یکی از دفاتری که مطابق نظامنامه های وزارت عدلیه تنظیم می شود، واقع و به ثبت برسد.<sup>۱</sup> همچنین نخستین قانونی که برای خودداری از ثبت نکاح موقت، ضمانت اجرای کیفری پیش بینی کرد، همین قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۰ بود. بنابراین، اگرچه ثبت نکاح موقت از سال ۱۳۰۷ الزامی شد، اما ضمانت اجرای کیفری آن نخستین بار در سال ۱۳۱۰ش وضع شد و مجازات موضوع ماده ۱ قانون مزبور، سالیان سال و تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در خصوص خودداری از ثبت نکاح اعم از دائم و موقت، قابل اعمال بود (میرکمالی و کاظمی، ۱۳۹۶، ص ۲۸).<sup>۲</sup>

در قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۴۶ش که در واقع محصول تلاشی ظاهراً به ثمر نرسیده برای

۱. این قانون به موجب بند ۱ ماده ۵۸ قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۹۱ نسخ صریح گردید.

۲. به اعتبار همین جرم انگاری بود که بعض اساتید کهنسال و به رحمت حق پیوسته نویسنده در سال ۱۳۶۴ در کلاس درس حقوق مدنی در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی به عنوان خاطرات قضایی دوران طاغوت خود اظهار می داشتند: اگر در آن زمان، زن و مردی که ازدواج موقت عادی کرده بودند، بازداشت می شدند؛ باید برای رهایی از مجازات، اقرار می کردند که رابطه آنها نامشروع و مبتنی بر تراضی بوده است، و نه ازدواج!

سکولاریزه کردن قوانین احوال شخصیه در ایران به‌شمار می‌رود، هیچ تصریحی در مورد ازدواج موقت صورت نگرفت. قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۴۶ به موجب ماده ۲۸ قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۵۳ صریحاً نسخ گردید. قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۵۳ ش در پی قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۴۶ ش، آخرین تلاش منسجم نظام طاغوت برای عرفی کردن مقررات خانواده در ایران محسوب می‌شود. در این قانون نیز هیچ تصریحی در مورد عقد موقت به چشم نمی‌خورد. به نظر می‌رسد سکوت دو قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۴۶ و ۱۳۵۳ نسبت به ازدواج موقت را باید از آثار جریان عرفی کردن نظام احوال شخصیه ایران براساس مقبولات کشورهای غربی قلمداد کرد؛ چراکه ازدواج موقت، تأسیسی فاقد جایگاه قانونی در حقوق غربی به‌شمار می‌رود و حال آنکه، فکر و میل غالب در ذهن و دل تهیه‌کنندگان طرح اولیه این دو قانون، تقلید محض از دستاوردهای حقوقی مغرب زمین بوده است.<sup>۱</sup> همین

۱. طراح اصلی و اولیه این دو قانون، مهرانگیز منوچهریان متولد سال ۱۲۸۵ مشهد است. او یکی از دوزن راه یافته به مجلس سنا در سال ۱۳۴۲ می‌باشد که تا سال ۱۳۵۱ سناتور باقی ماند. وی حقوقدان، موسیقی‌دان، سیاست‌مدار، همسر دکتر حسینقلی حسینی‌نژاد از اساتید حقوق دانشگاه شهید بهشتی و نخستین زنی بود که «جایزه صلح حقوق بشر» سازمان ملل متحد و نیز «جایزه صلح جهانی از طریق حقوق» را دریافت کرد. او تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ژاندارک وابسته به سفارت فرانسه در تهران که زیر نظر مبلغه‌های مسیحی اداره می‌شد، آغاز کرد. از آنجایی که خانواده مهرانگیز روابط نزدیکی با دربار داشتند، با وساطت رئیس دفتر رضا شاه، شخص شاه در سال ۱۳۱۳ ش دستور داد که اسم این دختر را بدون گذراندن کنکور مقدماتی، در دانشسرای عالی (دانشکده فلسفه و علوم تربیتی) بنویسند. پیش‌فرض این سناتور دربار در بحث حقوق زن و مرد این بود که قوانین کشورهای اروپایی، پیشرفته و قوانین مدنی ما برگرفته از فقه اسلامی و عقب‌مانده است. این انفعال به اندازه‌ای بود که یکی از اقدامات او همسو با اتفاقاتی که در غرب رقم می‌خورد، حمایت از زنان روسپی (فاحشه) تحت عنوان حمایت از کودکان نامشروع است. وی به جای «کودکان نامشروع» از عبارت «کودکان خارج از نکاح» استفاده می‌کرد، تا از گفتن حتی کلمه‌ای که احیاناً دارای بار منفی نسبت به این قشر است، پرهیز کرده باشد. خانم منوچهریان، اولین قدم را در این راه، صدور شناسنامه به اسم مادر یا هر کسی که مادر مایل باشد، می‌دانست. مهرانگیز در این مسیر تا آنجا پیش رفت که پیش از برگزاری پانزدهمین مجمع بین‌المللی زنان حقوقدان در تهران، در کمیته مقدماتی مجمع عمومی در واشنگتن در سال ۱۹۶۸م شرکت کرد و در آنجا بحث عمده خود را در دفاع از کودکان نامشروع متمرکز نمود و به حلی از طرح خود با جدیت دفاع کرد که رایموندا پاول از اعضای حاضر در جلسه و عضو این اتحادیه، رو به او کرد و گفت: منوچهریان! تو چند تا بچه خارج از ازدواج داری که مصّرانه دنبال این مطلب هستی؟! اقدام دیگر این سناتور انتصابی طاغوت که از حمایت دستگاه حاکمه و مطبوعات هم برخوردار بود، این بود که فحشاء را به عنوان یک شغل به رسمیت بشناساند. مخالفت منوچهریان با احکام اسلامی، با درخواست ارائه طرح پیشنهادی قانون خانواده به مجلس سنا به اوج خود رسید. این طرح ابتدا با عنوان «طرح قانون خانواده بر مبنای اصل تساوی حقوق زن و مرد» در اردیبهشت ۱۳۴۳ در شماره‌های ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵ و ۳۶۶ مجله «اطلاعات بانوان» که از نشریات دولتی و زیرمجموعه‌ای از روزنامه اطلاعات بود، منتشر شد. مهرانگیز تأکید کرد که این طرح با الهام از گزارش دبیرکل سازمان ملل درباره حقوق زن نوشته شده است. چاپ این طرح، مخالفت گسترده علما، مردم و تعطیلی بازار را به دنبال داشت، به طوری که چهار روز پس از انتشار خبر، یعنی دوم تیر ۱۳۴۳ «روزنامه اطلاعات» به نقل از وزیر دادگستری وقت نوشت: «قانون مدنی ایران تغییر

خصیصه موجب می‌شود تا با وجود تصریح ماده ۲ قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۵۳ مبنی بر اینکه «منظور از دعاوی خانوادگی، دعاوی مدنی بین هر یک از زن و شوهر ... است که از حقوق و تکالیف مقرر در کتاب هفتم در نکاح ... قانون مدنی ناشی شده باشد» و ذکر عنوان «در نکاح منقطع» برای فصل ششم کتاب یاد شده در قانون مدنی، نویسنده معتقد گردد: تمام مواد قانون همچنان معتبر حمایت از خانواده سال ۱۳۵۳ از ازدواج موقت منصرف است و صرفاً ناظر بر ازدواج دائم تلقی می‌شود.<sup>۱</sup>

نمی‌کند». این روزنامه در خصوص طرح خانم منوچهریان گفت: «... مقاله مزبور صرفاً حاصل مطالعه شخصی نگارنده آن است». مخالفت افکار عمومی به حدی بود که مجله «اطلاعات بانوان» در شماره ۳۷۱ دوشنبه ۷ تیر ۱۳۴۳ نوشت: سلسله مقالات مزبور تنها به این دلیل در مجله درج شده تا مورد قضاوت و اظهارنظر دانشمندان، مخصوصاً فضلا و صاحب‌نظران قرار گیرد. به هر حال واکنش مراجع دینی و مخالفت افکار عمومی باعث شد که در آن سال، منوچهریان نتواند نظر مثبت حداقل (پانزده) نفر از نمایندگان را برای ارائه طرح در مجلس جلب کند. ازجمله آثار خانم منوچهریان می‌توان به: «انتقاد از قوانین اساسی، مدنی و کیفری ایران از نظر حقوق زن» که سال ۱۳۴۲ منتشر شد و نیز «طرح قانون خانواده بر مبنای اصل تساوی حقوق زن و مرد، اعطایی اعلی حضرت همایون محمدرضا شاه به ملت» اشاره نمود (احمدی خراسانی و اردلان، به نقل از: منوچهریان، ۱۳۸۳). البته بر آشنایان با تاریخ معاصر ایران، روشن است که موثرترین عامل این عقب‌نشینی هیأت حاکمه طاغوت، مخالفت‌های صریح و بی‌پاکانه امام خمینی در آن سال‌ها بود. ایشان به «طرح قانون خانواده» سناتور منوچهریان، سخت اعتراض نمود. این اعتراض، یک سال پس از واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ یعنی در بهار سال ۱۳۴۳ به عمل آمد. امام خمینی کتاب پشتیبانی‌کننده از آن طرح را با عنوان «انتقاد و طرح قانون خانواده»، کتاب ضالّه خواند. جلسه مشورتی مقابله مراجع قم با این کتاب در خانه امام خمینی تشکیل شد و با تهدید امام خمینی به سخنرانی عمومی، طی چند روز وزیر دادگستری وقت طرح یاد شده را نظر شخصی نویسنده خواند و گفت: دولت لایحه‌ای براساس آن تنظیم نکرده است. امام خمینی نیز متعاقباً اقدامی برای سخنرانی نکرد (بهبودی، ۱۳۹۷، ص ۴۲۸-۴۳۱). با این حال ایشان در ۱۸ فروردین ۱۳۴۳ طی پیامی به ملت ایران چنین نوشتند: «من متأسفم از اینکه در مملکت اسلامی برخلاف قانون اساسی، اوراق ضالّه مخالف با نص قرآن و ضروریات دین مقدس نشر می‌شود، و دولت‌ها از آن پشتیبانی می‌کنند. کتاب انتقاد (و طرح قانون خانواده) که بر رد قرآن مجید نوشته شده، و طرح قانون خانواده که برخلاف احکام ضروریه اسلام و خلاف نص کلام‌الله مجید [است] طرح و منتشر می‌گردد، و کسی نیست از دولت‌ها استیضاح کند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۶۱-۲۶۲). تاکید امام خمینی بر حراست از مرزهای شریعت اسلام در قلمرو خانواده و ایجاد سدّ در برابر رخنه فرهنگ و قانون اجانب در این عرصه، تا آنجا بود که در ۲۷ تیر ۱۳۴۳ طی نامه به خطیب شهر وقت فلسفی نوشت: «... دولت را از اینکه اجازه داده است اوراق ضالّه از قبیل کتاب «انتقاد و طرح قانون خانواده» منتشر شود، استیضاح کنید» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۵۳-۳۵۴). منوچهریان در سال ۱۳۷۹ در تهران و در سن ۹۴ سالگی درگذشت. وی در وصیت‌نامه‌اش نوشت: «جسد مرا لااقل ۲۴ ساعت بعد از فوت به خاک بسپارند و اگر نخواهند مرا در منزل نگه دارند، در مسجد گذارند و در مراسم بدون روضه‌خوانی اگر فرد خوش‌صدایی حاضرین را مشغول کند و وسایل پذیرایی از قبیل شیرینی و ساندویچ لقمه‌ای باشد، بد نیست ...» (بی‌نام، ۱۳۸۳).

۱. نکته قابل تامل در این میان آن که در حال حاضر و در زمان استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی، در اثر تغافل ناموجه قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۹۱ نسبت به قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۵۳ و عدم نسخ صریح آن، عملاً مقررات این قانون در مواردی که نسخ ضمنی نشده است، از اعتبار حقوقی برخوردار بوده و به ویژه در دهه اخیر، مورد استناد

## ۶. ازدواج موقت در قوانین پس از انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون اساسی نظام اسلامی در سال ۱۳۵۸ (با لحاظ اصلاحات به عمل آمده در آن در سال ۱۳۶۸)؛ اگرچه توجه به خانواده به عنوان هویتی شکل گرفته براساس ازدواج بین زن و مرد، در اصول متعددی مانند: ۲۱، ۱۰، ۳۱ و ۴۳ انعکاس یافت و این مهم در قیاس با بی‌اعتنایی مطلق قانون اساسی مشروطیت و متمم آن به این مقوله، مایه مباهات بسیار است؛ اما همان نگاه فقهی مورد اشاره در متن که ازدواج دائم را به عنوان مبنای اصلی تشکیل خانواده می‌داند، تاثیر خود را در سیاق اصول قانون اساسی مربوط به خانواده گذاشته و موجب گردیده که در قانون اساسی از عقد منقطع به هیچ عنوان تصریحی صورت نپذیرد و حتی اطلاعات اصول مربوط نیز به وضوح، ناظر به ازدواج دائم قلمداد گردد. در دیگر اسناد بالادستی مربوط به خانواده (که همگی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تصویب رسیده‌اند) همین رویکرد قابل مشاهده است. بر این اساس می‌توان گفت، جهت‌گیری قوانین بالادستی در نظام جمهوری اسلامی، توجه به نقش انحصاری ازدواج دائم در تشکیل خانواده در عین تاکیدهای جسته و گریخته بر مشروعیت ازدواج موقت است. برای تایید این برداشت می‌توان به مقدمه قانون اساسی اشاره کرد. در مقدمه قانون اساسی آمده است: «خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات، جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است»؛ در پرتو همین نکته، اصل دهم به صراحت اشعار داشته است: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوطه باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد».

پرواضح است که «قداست و استواری روابط خانوادگی» و «بنیادین بودن خانواده در جامعه اسلامی»، همگی منصرف به ازدواج دائم است و شمولیت آن بر ازدواج موقت، به ویژه نوع کوتاه‌مدت آن با محذوراتی جدی روبه‌روست. نخست آنکه: حداقل، اطلاق خانواده بر ازدواج موقت کوتاه‌مدت، پذیرفته نیست. دوم، انعقاد نکاح موقت به آسانی ممکن است و نیازی به ذکر آسان نمودن انعقاد آن نیست. سوم، قداست نکاح دائم با توجه به استمرار تعهدات و کمرنگ‌تر بودن توجه به غرائز نسبت به ازدواج موقت، امری پذیرفته شده است. چهارم، حرکت به سمت سخت نمودن انحلال نکاح موقت، خلاف اقتضائات این نوع از نکاح است. موارد فوق به خوبی روشن می‌سازد که مراد مقنن قانون اساسی،

---

محاکم است!!! البته تا چند دهه بعد از پیروزی انقلاب و حتی پیش از تصویب ق.ح.خ. ۹۱، محاکم به این قانون بی‌اعتنا بودند و عملاً قانونی مهجور به شمار می‌رفت. تغافل یاد شده و پاره‌ای دلایل دیگر از جمله خلاءهای قانونی تأمین نشده در ق.ح.خ. ۹۱، موجب استناد فزاینده محاکم به ویژه در خواسته «اجازه ازدواج مجدد» به قانون ح.خ. سال ۵۳ شده است.

توجه خاص و ویژه به نکاح دائم، و ترجیح آن بر نکاح موقت است. به عنوان شاهی دیگر می‌توان به اصل سی و یکم قانون اساسی اشاره کرد که اشعار می‌دارد: «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است»؛ کاملاً مبرهن است که این اصل، منصرف به نکاح دائم بوده و به جهت رجحان نکاح دائم بر موقت است که چنین امتیازی برای آن در نظر گرفته شده است. همین استظهار از اصل ۴۳ قانون اساسی نیز میسر است.

در اسناد بالادستی دیگر غیر از قانون اساسی، با آنکه به کرات در خصوص ازدواج، سخن به میان آمده است؛ اما همین سوگیری اصلی به طرف ازدواج دائم و منصرف بودن مقررات یاد شده از ازدواج موقت، کاملاً آشکار است. به عنوان نمونه در مصوبه «اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن» مصوب ۱۳۸۴/۰۴/۰۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی آمده است: «ترویج دیدگاه‌های صحیح اجتماع در خصوص تقلیل هزینه‌های ازدواج از قبیل جهیزیه سبک، مهریه متناسب و کاهش هزینه‌های جشن ازدواج و پرهیز از تحمیل هزینه‌های سنگین»، بدیهی است که جهیزیه و هزینه‌های جشن ازدواج از اختصاصات نکاح دائم بوده و بدین جهت به نظر می‌رسد می‌توان بدون هیچ‌گونه تردیدی، معتقد بود که در اسناد بالادستی که مقنن به صورت مطلق از ازدواج نام برده، مراد، ازدواج دائم است. همچنین می‌توان به «سند ترویج و تسهیل ازدواج دانشگاهی» که در جلسه ۸۴۸ مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۲۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی و در راستای اجرای راهبرد ۱۶ نظام فرهنگی - تربیتی سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها (مصوب جلسه ۷۳۵ مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی) به تصویب رسید، اشاره کرد. گذشته از اینکه در این سند به ازدواج موقت هیچ اشاره‌ای نشده است؛ بلکه در بند ۳-۱ از ماده ۳ آن در زمره اهداف مصوبه با آوردن کلمه «پایدار» تاکید انحصاری بر ازدواج دائم را به نوعی نشان داده و مقرر می‌دارد: ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج آگاهانه و پایدار در میان دانشجویان، اساتید و کارکنان...». در قانون راهبردی «تسهیل ازدواج جوانان مصوب ۱۳۸۴/۹/۷ مجلس نیز هیچ توجهی به ازدواج موقت صورت نگرفته است. با این وصف مشاهده می‌شود که در موارد نادری، ازدواج موقت در پاره‌ای از اسناد بالادستی دیگر مورد عنایت قرار گرفته است. به عنوان نمونه ناظر به مقرر قانون بالادستی برنامه پنجم توسعه، در مصوبه «تعیین برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده موضوع ماده ۲۳۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران» مورخ ۱۳۹۲/۱/۱۸ و در چارچوب اهداف مورد نظر، چنین پیشنهاد شده است: «۴- ثبت ازدواج موقت و اجبار زوج به بذل مدت یا دخالت دادگاه در صورت ترك و غیبت طولانی و پیش‌بینی ضمانت اجرای شرط پرداخت نفقه در ازدواج موقت...».

گذشته از مقررات یاد شده از قانون مدنی که در بازنگری سال ۱۳۷۰ بدون هیچ تغییری ابقا گردیدند، می‌توان به نمونه‌های دیگری نیز استناد کرد. بهترین نمونه در این باره قانون همچنان معتبر حمایت از

خانواده سال ۱۳۹۱ است. ماده ۲۱ قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۹۱ مقرر می‌دارد: «نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی، نکاح دائم را که مبنای تشکیل خانواده است، مورد حمایت قرار می‌دهد. نکاح موقت نیز تابع موازین شرعی و مقررات قانون مدنی بوده و ثبت آن در موارد زیر الزامی است: باردار شدن زوجه، توافق طرفین و شرط ضمن عقد». ماده ۴۹ این قانون نیز براساس ترتیب مقرر در ماده ۲۱ مبادرت به جرم‌انگاری عدم ثبت نکاح موقت کرده است. در بند ۲ ماده ۴ این قانون نیز به صراحت، دعوی و امور مربوط به نکاح موقت نیز جزو صلاحیت‌های دادگاه خانواده قلمداد شده است. نکته قابل اشاره در ماده ۲۱ ق.ح.ه سال ۹۱ توجه به مبنای تشکیل خانواده بودن ازدواج دائم در عین رسمیت داشتن عقد موقت است که با همان نگاه فقهی و مورد عنایت امامین انقلاب مبنی بر تلقی حاشیه‌ای از ازدواج موقت سازگاری دارد. با این وصف، ماده فوق نشان می‌دهد که قانونگذار بعد از انقلاب -برخلاف مقنن قبل از انقلاب- به اهمیت ازدواج موقت در ساختار نظام حقوق خانواده کشور و همسویی با قانون مدنی به عنوان «قانونی مادر» توجه داشته است؛ در حالی که به ترتیب در دو قانون منسوخ و معتبر حمایت از خانواده سال ۱۳۴۶ و ۱۳۵۳ هرگز ازدواج موقت یا عناوین مشابه آن ذکر نشده است.

در بند ۱ ماده ۲ قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست مصوب بیست و چهارم آبان ماه ۱۳۷۱ مجلس شورای اسلامی در تعریف زنان بیوه به عنوان یکی از مصادیق تحت شمول قانون یاد شده آمده است: «بیوه به زنانی اطلاق می‌شود که به عقد ازدواج (دائم یا منقطع) درآمده و سپس به یکی از دلایل طلاق، فوت شوهر، فسخ عقد، صدور حکم موت فرضی، بذل مدت و یا انقضای مدت در نکاح منقطع، شوهر خود را از دست داده باشند». مورد بعدی (البته در رتبه پایین‌تر از قوانین عادی) ماده ۱۵ نظامنامه دفاتر ازدواج و طلاق مصوب ۱۴۰۱/۲/۱۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی صادره از سوی رئیس قوه قضاییه است که در اجرای ماده ۲۹ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۳۵۴/۱۰/۲۶ و با عنایت به ماده ۲۱ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ و در راستای آیین‌نامه قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۴۰۰/۱/۱۰ ابلاغ گردید. ماده یاد شده صلاحیت دفاتر رسمی ازدواج و طلاق را به صورت یکسان و به شرح زیر اعلام می‌دارد: «الف - ثبت و اجرای صیغه شرعی واقعه ازدواج دائم و ثبت یا اجرای صیغه شرعی ازدواج موقت به صورت رسمی یا عادی برابر قانون حمایت از خانواده. ب - ثبت و اجرای صیغه طلاق، ابطال سند، فسخ و انفساخ وقایع

---

۱. قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۴۶ به موجب ماده ۲۸ قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۵۳ صریحاً نسخ گردید؛ اما قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۵۳ جزو قوانین منسوخ در ماده ۵۸ قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۹۱ ذکر نشده است. با این وصف مطابق تلقی دکترین و رویه قضایی به ویژه در سالیان اخیر (و فاصله گرفتن از دهه اول انقلاب!!)، در حال حاضر ق.ح.خ سال ۵۳ از اعتبار برخوردار است.

ازدواج و همچنین طلاق مطابق حکم قطعی مراجع قضائی، بذل مدت و رجوع».

نکته دیگر در مورد قوانین لازم‌الاجرا در قلمرو حقوق خانواده نسبت به اقلیت‌های دینی رسمی کشور است. در اجرای قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم، مصوب مرداد ماه ۱۳۱۲ و رأی وحدت رویه شماره ۳۷-۱۳۶۳/۹/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور و مصوبه مورخ ۱۳۷۲/۴/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام و به استناد اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقررات احوال شخصیه مسیحیان پروتستان ایران، براساس قواعد و عادات مسلمة متداوله در کلیساها، توسط کمیته‌ای با شرکت نمایندگان کلیساهای پروتستان تدوین گردیده و در تاریخ سوم مهر ماه ۱۳۸۷ ش برابر با ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۸ میلادی به تصویب مقامات روحانی و هیأت‌های مدیره کلیساهای پروتستان رسید و به دستور مقام صلاحیت‌دار در روزنامه رسمی کشور چاپ گردید. ماده ۱۹ مقرر ی‌اد شده چنین است: «ازدواج با مرد زن‌دار یا زن شوهردار، یا ازدواج غیردائم، ممنوع و باطل است». در ماده ۲۵ آن نیز آمده است: «ازدواج یا زناشویی در مسیحیت، یک عقد دائمی و عهد و پیمان مقدس کلیسایی، اجتماعی و خانوادگی می‌باشد. بنابراین، ازدواج باید توسط مقام روحانی، یعنی کشیش، با رعایت قواعد و عادات متداول کلیسایی و در حضور سه شاهد و دو معرف، انجام شود».

## ۷. نتیجه‌گیری

ازدواج موقت از بدو قانونگذاری نوین در ایران و البته با اندکی فاصله زمانی از مشروطیت، به گونه‌ای نه چندان مفصل، وارد متن قانون مادر و همچنان معتبر کشور یعنی «قانون مدنی» گردید و تقریباً در تمام دوران طاغوت به همان اجمال از منظر قانونی باقی ماند. بی‌توجهی به اسناد بالادستی در نظام سابق، زمینه بررسی این تأسیس را در اینگونه اسناد، منتفی ساخته است. روح و روحیه افراد موثر در تنظیم طرح‌ها و لوایح قانونی آن دوران، در حیطه احوال شخصیه که تجلی بارز آن در دو قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۴۶ و ۱۳۵۳ منعکس است، همراهی نظام قانونگذاری کشور را با نظام‌های حقوقی غربی در طرد این ازدواج در آن دوران، نشان می‌دهد. این بی‌اعتنایی قانونی و ساختارمند، به عدم همراهی دکرترین حقوقی و نیز بدنه اجتماعی با این نوع نکاح، دامن زد. با پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی و تصویب اسناد بالادستی فراوان در حوزه خانواده، توجه به ازدواج موقت و ضرورت تبیین تفصیلی تر احکام فقهی- حقوقی آن هیچ‌گاه به عنوان راهبرد یا رویکرد کلان در اسناد یاد شده مورد توجه قرار نگرفت. مواد مربوط در قانون مدنی نیز همچنان دست نخورده باقی ماند. پرهیز محتاطانه بنیانگذار جمهوری اسلامی و نیز رهبر کنونی انقلاب از طرح مسأله ازدواج موقت در سطح موضوعات کلان خانواده، از اسباب وارد نشدن این موضوع در اسناد بالادستی کشور است. این موضع رهبران فقیه نظام را باید به اصل بودن ازدواج دائم در تشکیل خانواده از منظر فقهی، تقبیح اجتماعی این پدیده و

حساس نکردن بدنه اجتماعی به ویژه طایفه نسوان، تأویل برد. با این حال، رگه‌هایی از اعتنای نه چندان تاثیرگذار پاره‌ای اسناد بالادستی به ازدواج موقت قابل شناسایی است که هیچ‌یک موج حقوقی، قانونی و یا اجتماعی را برای تبیین تفصیلی این ازدواج به پا نکرده است. در سطح قوانین عادی نیز به صورت جسته و گریخته، توجهی فراتر از قانونگذاری عادی قبل از انقلاب را به ازدواج موقت شاهد هستیم. اوج این توجه در قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۹۱ منعکس شده است؛ اما همین قانون نیز حاشیه‌نشینی این ازدواج را در ساختار نظام حقوق خانواده ایران گوشزد کرده است. به نظر می‌رسد که نظام قانونگذاری کشور به طور عام، چه در سطح سیاستگذاری کلان و در قالب اسناد بالادستی و چه در رتبه قوانین عادی، می‌تواند با پشتوانه مطالعات میان‌رشته‌ای، استفاده مناسبی از ظرفیت تقنینی خود در باره این پدیده مشروع و انحصاری نظام حقوق خانواده کشور به عمل آورد و با پای کار آوردن مناسب امکانات حاکمیتی کشور، کاری کند تا به گونه‌ای نظام‌مند هم در ساحت قانون و هم مرحله اجرا در دو سطح کلان و خرد از متروک شدن این تأسیس، جلوگیری و قبح‌انگاری عمومی آن تصحیح گردد. البته ورود رهبری نظام از طریق مجمع تشخیص مصلحت، به مقوله نظام‌مند کردن ازدواج موقت با استفاده از ظرفیت فقهی-حقوقی مسأله و بهره‌مندی از احکام حکومتی، می‌تواند این روند را تسریع نماید. همچنین اتخاذ چنین روندی می‌تواند به اقبال نوپیدای حقوق‌دانان کشورهای غربی و نیز کشورهای اسلامی به این دستاورد فقه امامیه، منجر شود.

## فهرست منابع

## قرآن کریم.

- احمدی خراسانی، نوشین؛ اردلان، پروین (۱۳۸۳). *سناتور: فعالیت‌های مهرانگیز منوچهریان بر بستر مبارزات حقوقی زنان در ایران*. تهران: توسعه.
- اراکي، محمدعلی (۱۳۷۷). *کتاب النکاح*. قم: انتشارات در راه حق.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲). *استفتانات*. قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۹.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹). *کتاب البیع*. قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۵.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). *کتاب النکاح*. قم: کنگره بزرگداشت شیخ انصاری.
- بجنوردی، سید محمدحسن (۱۳۷۷). *القواعد الفقهية*. قم: نشر الهادی، ج ۳.
- بحرانی، محمد (۱۴۲۹ق). *سند العروة الوثقی (کتاب النکاح)*. قم: مکتبه فذک، ج ۱.
- بهبودی، هدایت‌الله (۱۳۹۷). *الف لام خمینی*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ پنجم.
- بی‌نام (۱۳۸۳). *مهرانگیز منوچهریان، داعیه‌دار حقوق زنان*. حوراء، شماره ۱۰.
- جزیری، عبدالرحمن؛ غروی، سید محمد؛ مازح، یاسر (۱۴۱۹ق). *الفتحه على المذاهب الأربعة ومذهب اهل البيت (ع)*. بیروت: دارالثلثین، ج ۵.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶). *حقوق خانواده*. تهران: گنج دانش، چاپ دوم.
- حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق). *وسائل الشیعه*. تهران: المکتبه الاسلامیه، چاپ ششم، ج ۱۴.
- حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت (ع)، ج ۲۱.
- حکیم، سید محسن (۱۴۰۶ق). *مستمسک العروة الوثقی*. قم: مکتبه آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی، ج ۱۴.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۴۰۱). *جهاد تبیین جهاد معرفت‌افزایی، دانش‌افزایی و تبیین حقایق در مقابل جنگ شناختی*. <https://sccr.ir/News/21919/1> است. قابل دسترسی در:
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱.
- دادمزنی، سید مهدی (۱۳۹۸). *تعارض در قانون مدنی*. قم: مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی؛ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
- دادمزنی، سید مهدی (۱۴۰۳). *بررسی فقهی - حقوقی نقش عفت مادر در حضانت فرزند با تاکید بر رعایت حجاب و اشاره به فرهنگ برهنگی در جوامع غربی*. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۱(۲).
- دهقان‌نژاد، رضا؛ هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۴۰۱). *تحلیل فقهی - حقوقی اسباب و آثار نشوز زوجه در نکاح منقطع*. فقه و حقوق خانواده، ۲۷(۷۷).
- سرخوش، جواد؛ نورنمکی، افسانه (۱۴۰۳). *واکاوی فقهی و حقوقی جایگاه جریان قاعده نفی غرر در نکاح و شروط معروف آن*. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۲۱(۷۸).
- سقای، مریم‌السادات و همکاران (۱۴۰۳). *کنش‌های زنان در مواجهه با ازدواج موقت همسر. مطالعات اجتماعی فرهنگی حوزه*، ۸(۲).

- سیستانی، سید علی (۱۴۱۵ق). *منهاج الصالحین*. قم: دفتر آیت الله سیستانی، ج ۳.
- شهید ثانی (۱۴۱۳ق). *مسالك الافهام*. قم: موسسه المعارف الاسلامیه، ج ۱۲.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۷۷). *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*. قم: مکتبه محمد الصادق الطهرانی، ج ۱.
- صادقی، محمد (۱۳۹۲). *دانشنامه فاطمی*. زیر نظر علی اکبر رشاد. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و انتشارات اسلامی، ج ۵.
- صفایی، سید حسین؛ امامی، اسدالله (۱۳۸۶). *مختصر حقوق خانواده*. تهران: نشر میزان، چاپ دوازدهم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳). *الاستبصار فیما اختلف من الاخبار*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱.
- عاملی کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: موسسه آل البیت (ع)، چاپ دوم، ج ۱۲-۱۳.
- عطایی، محمدرضا (۱۳۷۶). *سیری در زندگی مؤمن طاق؛ شاگرد ممتاز امام محمدباقر و امام صادق (ع)*. قم: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی الشمس.
- کریمی نیا، محمدمهدی (۱۳۹۰). بررسی ازدواج موقت در دائره المعارف لیدن. *قرآن پژوهی خاورشناسان*، ۶(۱۰).
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۵، ۱۰.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۵). *بررسی فقهی حقوق خانواده*. تهران: نشر علوم اسلامی.
- محمدرزاده، زینب؛ نظری توکلی، سعید (۱۴۰۰). *اجاره‌انگاری ازدواج موقت و چالش‌های فقهی آن*. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۴(۱).
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). *نظام حقوق زن در اسلام*. قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). *مجموعه آثار*. قم: انتشارات صدرا، چاپ ششم، ج ۱۹.
- میرکمالی، سید علیرضا؛ کاظمی، سید مهدی (۱۳۹۶). تحلیل جرم امتناع از ثبت نکاح موقت و تبیین چالش‌های آن. *شورای فرهنگی اجتماعی زنان*، ۱۹(۷۶).
- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (بی‌تا). *جواهر الکلام (ط. القدیمة)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۲۹.
- نگرانی‌های شورای فرهنگی اجتماعی زنان درباره ازدواج موقت (۱۳۸۶). قابل دسترس در: